بررسی و توصیف فعل در گونه‌های گویشی شهرستان بستک

آمنه راستگو*

تاریخ دریافت:۱۴۰۱/۰۴/۰۲
تاریخ پذیرش:۱۴۰۱/۰۷/۰۹

چکیده

هدف این تحقیق، توصیف ویژگی‌های دستوری و صرفی افعال در گویش شهر و روستاهای منطقهٔ بستک با محوریت بستک، جناح، دهتل، دهنگ، رودبار، فاریاب، کمشک، کوخرد، کوهیج و هرنگ است. برای تحقق این هدف، فهرستی از گروه‌های مختلف فعلی در اختیار گویشوران شهرها و روستاهای شهرستان بستک قرار گرفت تا با گویش خود، آن را تلفظ کنند. برای اینکه نمونه‌های بیان شده با دقت بیشتری بررسی شود، نمونه‌ها ضبط و ذخیره شد. سپس نمونه‌های ضبط شده بررسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان نشان داده شد. نتیجهٔ این تحقیق نشان داد که رواج برخی ساخت‌های کهن فعلی، ویژگی ارگاتیو، نقش برجسته و تمایزی تکیه در صرف افعال، استفاده از بن گذشته در ساخت حال مستمر و استعمال وندهای کهن فارسی، از ویژگی گویش‌های شهرستان بستک است. همچنین مقایسهٔ گونه‌های گویشی این شهرستان نشان داد که ویژگی‌های دستوری و صرف افعال در این گونه‌ها تفاوت چندانی ندارد و بیشترین تفاوت در آواها، شناسه‌ها و وندهای فعلی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گویش، بستکی، فعل، بررسی مقایسه‌ای، زبان رسمی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان. Amenerastgoo9@gmail.com

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

۱ـ مقدمه

زبان‌های بومی و گویش‌های محلی، بیانگر هویت و فرهنگ جوامعی است که از گذشته‌های دور به‌جامانده‌اند. ایران با داشتن گویش‌ها و لهجه‌های متفاوت ـ که هر کدام ارزش فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای دارد ـ منبعی بسیار غنی برای پژوهش‌های ادبی، زبانی، جامعه‌شناسی و تاریخی است؛ بنابراین، گردآوری و ثبت این شکل‌های متنوع زبانی، گامی است در راه حفظ و نگهداری آنها. همچنین با توجه به اینکه زبان و گویش، پدیده‌ای زنده و پویا و دائماً در معرض تحول و دگرگونی است، پرداختن به تفاوت‌ها و شباهت‌های این گونه‌ها ـ که عامل انتقال فرهنگ و تمدن نیاکان ما به شمار می‌رود ـ امری مهم و ضروری است. «مطالعه و تحقیق در زبان‌های محلّی، یکی از ضروریات شناسایی دقیق زبان پارسی است و این امر در وهلهٔ اول، بر عهدهٔ گویشوران آن است.» (وثوقی، ۱۳۶۹: ۹۸).

شهرستان بستک در استان هرمزگان واقع شده‌است که از شمال به لارستان، از جنوب به بندرلنگه و پارسیان، از غرب به شهرستان لامرد و از شرق به شهرستان بندرعباس محدود می‌شود. این شهرستان به دلیل وسعت جغرافیایی زیاد، روستاها و شهرهای پراکنده و ساکنان آن، گویش‌های کم و بیش متفاوتی دارد؛ به گونه‌ای که نحوهٔ سخن گفتن آنها نشان می‌دهد که گویش‌ور کدام منطقه هستند.

گویش بستکی (گویش شهر بستک)، جناحی (جمسی)، دهنگی، گوده‌ای، فاریابی، فرامرزی، کوهیجی، کوخردی، هرنگی و غیره، از خانوادهٔ زبان لارستانی است و همانند دیگر گویش‌های این زبان به شاخهٔ زبان‌های ایرانی جنوبی‌غربی تعلق دارد؛ با این حال، اگر گویش‌های منطقهٔ بستک به صورت کلی تقسیم‌بندی شود، باید گویش شهر بستک، روستاها و شهرهای اطراف آن را در یک دسته قرار داد؛ زیرا مردم این نواحی به راحتی زبان همدیگر را می‌فهمند و با هم گفت‌وگو می‌کنند.

این گویش‌ها با زبان پارسی میانه اشتراکات فراوانی دارد؛ صرف افعال، واژه‌ها و برخی ویژگی‌های آوایی از وجوه اشتراک این گویش‌ها با فارسی میانه است.

«بستکی ـ که در شهر بستک واقع در استان هرمزگان به کار می‌رود ـ یکی از گویش‌های جنوبی ایران است. این گویش شباهت بسیاری با گویش «لاری» و سایر گویش‌های منطقهٔ لارستان دارد.» (کلباسی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

۱ـ۱ـ روش تحقیق

این پژوهش به روش داده‌کاوی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای ـ میدانی صورت گرفت. در روش کتابخانه‌ای برای به دست‌آوردن اطلاعات موردنیاز بر مبنای مبانی نظری تحقیق، به کتابخانه‌ها و سازمان‌های مربوط مراجعه شد و با تکیه بر مطالعهٔ کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط، به گردآوری مباحث نظری پرداخته شد. سپس تئوری‌های مربوط به پژوهش‌های گویشی و لهجه‌ای توصیف شد.

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

در حوزهٔ تحقیق می‌دانی، از روش نمونه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد؛ به این منظور، فهرستی از افعال تهیه و در اختیار گویشوران قرار گرفت تا آن را با لهجه و گویش خود تلفظ کنند. سپس نمونه‌های ثبت و ضبط شده، آوانویسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بررسی شد. درنهایت، این نمونه‌ها با زبان رسمی و فارسی معیار مطابقت داده شد. به دلیل اینکه این گویش فاقد خط نوشتاری است، مثال‌های گویشی استفاده شده در این پژوهش با نهایت دقت و با در نظرگرفتن تغییرات آوایی، واج نویسی شد.

۱ـ۲ـ پیشینهٔ تحقیق

در مورد گویش بستکی تحقیقات چندی انجام شده‌است، ولی منبع چندانی وجود ندارد که در آن از روش بررسی مقایسه‌ای استفاده شده باشد. بررسی‌های انجام‌شده در مورد گویش بستکی به شرح زیر است:

قدیمی‌ترین اثر تخصصی، کتاب «فرهنگ بستکی» تألیف حاج علی اکبر بستکی است که در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. نامبرده سه سال پس از آن، «ابیات محلی جهانگیریه» را منتشر کرد که حاوی اشعار و تصنیف‌های بستکی به همراه توضیح لغات آن به زبان فارسی است. در این دو اثر، آوانگاری صورت نگرفته و برای خواننده غیر هم زبان، امکان دستیابی به تلفظ صحیح برخی واج‌گونه‌های گویش ناممکن است.

کتاب «فرهنگ فرامرزان» تألیف حسن فرامرزی در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. در این کتاب، واژه‌ها و اصطلاحات منطقهٔ فرامرزان ـ یکی از مناطق شهرستان بستک ـ جمع‌آوری، ثبت و آوانویسی شد. این اثر به عنوان نخستین اثر آوانویسی‌شدهٔ مربوط به شهرستان بستک، بسیار ارزشمند و قابل توجه است.

کتاب «مثل‌ها، کنایات و اصطلاحات در گویش گوده‌ای» از محمد محمودی نیز کتاب ارزشمند دیگری است. محمودی مثل‌ها، کنایات و اصطلاحات گویش‌گوده‌ای ـ یکی از مناطق بستک ـ را در این کتاب ثبت و آوانویسی کرده‌است.

بالود در کتاب «فرهنگ عامه در منطقهٔ بستک»، بخش مختصری را به معرفی لهجه و گویش و عمدتاً صرف فعل اختصاص داده‌است. وی در مورد گویش بستکی چنین می‌گوید: «گویش بستکی دارای لهجه‌های متعددی است، اما در تکلم، همه زبان یکدیگر را می‌فهمند. مهم‌ترین لهجه‌های گویش بستکی عبارتند از: بستکی، فرامرزی، گوده‌ای، جناحی» (بالود، ۱۳۸۴: ۱۸).

عبدالله واحدی در کتاب «ساخت‌واژهٔ (صرف) گویش فرامرزی شهر هنگویه»، ویژگی‌های صرفی گویش شهر هنگویه ـ یکی از شهرهای شهرستان بستک در منطقهٔ فرامرزان ـ را بررسی کرده‌است.

بخش پایانی کتاب محمدصالح ارزن‌کار با عنوان «آواشناسی و دستور زبان گویش لمزانی»، به مقایسهٔ گویش لمزانی با دو گویش همجوارش یعنی بستکی و خمیری

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

پرداخته‌است و اطلاعاتی را در زمینهٔ گویش بستکی ارائه می‌دهد.

بنی‌هاشمی در بخشی از کتاب خود با عنوان «ادبیات شفاهی بستک»، به طور مختصر به واج، واژه، صرف فعل لازم و متعدی و ساختار نحوی جمله اشاره کرده‌است.

«بررسی گویش، اشعار و داستان‌های شفاهی بستک»، عنوان پایان‌نامه‌ای است از ناصر محبی که در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه علامه طباطبایی تهران دفاع شد. محبی این پایان‌نامه را در سه فصل تنظیم و در فصل نخست به طور مفصل، نکات دستوری و افعال را در گویش بستکی توصیف و بررسی کرد.

«پژوهشی در دستور زبان گویش بستکی» از سامیه نیرومند، عنوان پایان‌نامه‌ای است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه هرمزگان دفاع شد. نیرومند در فصل پنجم پایان‌نامهٔ خود، انواع فعل را به طور کامل بررسی و صرف کرد.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش محبی و نیرومند در این است که آنها دستور زبان و قسمتی از ویژگی‌های آوایی یک نقطه از شهرستان را به صورت غیر مقایسه‌ای بررسی کرده‌اند؛ به همین دلیل، به جمع‌آوری صورت‌های مختلف گویشی منطقه نپرداخته و تنها گویش یک نقطه از شهرستان را محور کار خود قرار داده‌اند. اما پژوهش حاضر، شهر یا روستای خاصی از منطقهٔ بستک را محور تحقیق قرار نداده، بلکه انواع گونه‌های گویشی شهرستان را جمع‌آوری و بررسی کرده‌است.

«بررسی نظام‌آوایی گویش بستکی»، عنوان مقاله‌ای است که مهدی احمدنیا در همایش بین‌المللی زبان‌شناسی و مردم‌شناسی لارستان در سال ۱۳۸۷ ارائه کرد. نام‌برده، همخوان‌ها و واکه‌های گویش بستکی و ساختمان هجا را با دقت و با مثال‌های متعدد توصیف کرده‌است.

در مورد زبان لارستانی که گویش‌های بستکی زیرمجموعه‌ای از آن است، محققان برجسته‌ای همچون اقتداری در «فرهنگ کهن لارستانی» و وثوقی در کتاب «لار، شهری به رنگ خاک» پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام داده‌اند. همچنین خنجی در کتاب «نگرشی تفضیلی بر زبان لارستانی و گویش خنجی»، مباحث دستوری و صرف فعل را به صورت تخصصی و علمی ارائه کرده‌است.

سلامی (۱۳۸۳) در دفتر پنجم از «گنجینهٔ گویش‌شناسی فارس»، به بررسی گویش‌های لارستانی پرداخته‌است.

دبیرمقدم در کتاب «رده‌شناسی زبان‌های ایران»، با رویکرد زبان‌شناسی زایشی به بررسی و مطابقت دوازده زبان ایرانی از دیدگاه رده‌شناسی پرداخته‌است. فصل پنجم این کتاب به زبان لارستانی به عنوان یکی از زبان‌های ایرانی ـ جنوبی ـ غربی اختصاص دارد. دبیرمقدم گویش‌های لاری، گراشی، خنجی، اوزی، بستکی و بیخه‌ای را به عنوان خانوادهٔ گویش‌های لارستانی معرفی می‌کند. وی معتقد است «به دلیل شباهت فوق‌العاده زیاد

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

بین ویژگی‌های رده‌شناسی زبان لارستانی و زبان فارسی در مؤلفه ترتیب واژه‌ها، احتمال همگرایی بین این زبان به عنوان لایهٔ زیرین فارسی، دور از انتظار نخواهد بود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۴۰۱).

مقالهٔ حاضر به بررسی فعل و مقایسهٔ صرف آن در گویش‌های شهرستان بستک می‌پردازد. این پژوهش، نخستین پژوهشی است که صرف افعال را در گونه‌های گویشی شهرستان بستک ـ که بسیاری از خصوصیات کهن را تا به این زمان در خود حفظ کرده‌است ـ با یکدیگر مقایسه می‌کند و اولین گام در معرفی و نشان دادن ساخت و صرف فعل در این گویش است.

۲ـ فعل در گویش‌های شهرستان بستک

فعل به عنوان مهم‌ترین جزء تشکیل‌دهندهٔ ساختار نحوی و معنایی جمله، همواره از سوی دستورنویسان و زبان‌شناسان قابل توجه بوده‌است. دستورنویسان گذشته، تعاریف متعددی را از فعل ارائه و جنبهٔ معنایی آن را مدنظر قرار داده‌اند؛ از جمله این افراد خانلری است که در دستور زبان فارسی چنین می‌نویسد: «فعل آن کلمه‌ای است که دلالت می‌کند بر کردن کاری یا روی‌دادن امری یا داشتن حالتی در زمان گذشته یا اکنون یا آینده.» (خانلری، ۱۳۹۶: ۱۷). اما دستورنویسان و زبان‌شناسان امروزی، فعل را با توجه به نشانه‌ها و اجزای سازندهٔ آن همچون پیشوند و پسوند و بن فعل بررسی می‌کنند: «کلمهٔ فعل حداقل از دو واژک و حداکثر از پنج واژک ساخته شده‌است؛ به عبارت دیگر، کلمهٔ فعل پنج عنصر ساختمانی دارد که دو تای آن اجباری و سه تای دیگر اختیاری است.» (باطنی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

در گویش‌های شهرستان بستک، فعل به خصوص در ساخت‌های متعدی به گونه‌ای کهن و متفاوت از فارسی به کار می‌رود و پیشوندها و پسوندهای خاصی دارد که با زبان فارسی متفاوت است. به دلیل اهمیت فعل در گویش‌های بستکی و برای شناختن آن، همراه با مطابقت و مقایسهٔ این گویش با فارسی معیار به توصیف ویژگی‌های فعلی آن در محورهای زیر می‌پردازیم: بن فعل، شناسهٔ فعل‌های لازم، شناسهٔ فعل‌های متعدی، روش ساخت افعال در گروه‌های مختلف فعلی، پیشوند فعل‌های لازم و متعدی، مصدر، فعل مجهول، فعل امر و فعل نهی.

۲ـ۱ـ بن فعل در گویش‌های شهرستان بستک

بن یا ریشهٔ فعل، معنی اصلی فعل را می‌رساند و نقش مرکزی صیغه فعل را برعهده دارد. در فارسی هر فعلی دارای دو بن ماضی و مضارع است؛ مادهٔ مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند و مادهٔ ماضی بر زمان گذشته.

افعال در گویش‌های شهرستان بستک نیز دو بن ماضی و مضارع دارد، اما کاربرد آن با زبان فارسی متفاوت است:

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

۲ـ۱ـ۱ـ بن ماضی (حال)

بن ماضی در گویش‌های بستک همانند زبان فارسی، با حذف نشانهٔ مصدر (واکه) ساخته می‌شود و نسبت به زبان فارسی با تغییراتی در آواها همراه است:

جدول ۱: ساخت بن ماضی

مصدر	بن ماضی
Kašto (انداختن)	kašt
Soto(سوختن)	sot

بن ماضی فعل‌های لازم که به نشانهٔ گذشته ختم می‌شود، در زمان گذشتهٔ ساده با حذف نشانهٔ گذشته و تغییر در واکه‌ها کوتاه می‌شود:

جدول ۲: ساخت بن ماضی

Om-či	či	čed
Om-nä	nä	nad
Om-kö	kö	kord

افعال لازم در زمان گذشتهٔ ساده نیز در صیغهٔ سوم شخص مفرد، با حذف نشانهٔ گذشتهٔ مذکور و تغییر حرکت واکه همراه است:

ami	and
rasi	rased

۲ـ۱ـ۲ـ بن مضارع

بن مضارع در زبان فارسی با حذف «بِ» امری ساخته می‌شود. در گویش‌های بستک نیز بن مضارع با حذف پیشوند امری یا حذف نشانهٔ گذشته ساخته می‌شود و با تغییرات آوایی گوناگونی همراه است:

جدول ۳: ساخت بن مضارع

فعل	فعل امر	بن حال
رسید	Be-ras	ras
خرید	Be-xel	xel
برید	Be-bol	bol
کند	bekeŋ	ken
گزیدن	bexâ	Xâ
دوشیدن	odos	dos

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

۲ـ۲ـ شناسهٔ فعل

«مفهوم شخص و نیز مفهوم افراد و جمع را اجزائی مشخص می‌کند که آنها را شناسه می‌نامند.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۲ـ۲ـ۱ـ شناسه‌های فعل‌های لازم

«فعل‌هایی مانند آمدن که دارای معنی تمام باشند، «لازم» خوانده می‌شوند.» (خانلری، ۱۳۹۶: ۷۹). شناسه‌های افعال لازم در گویش‌های شهرستان بستک همانند فارسی معیار، پسین هستند و بعد از بن فعل می‌آیند.

الف) گذشتهٔ ساده و استمراری

(گذشته سادهٔ افعال لازم در گویش بستکی از بن گذشته + شناسه ساخته می‌شود و گذشتهٔ استمراری افعال لازم از پیشوند استمرار + بن گذشته + شناسه به دست می‌آید.)

جدول ۴: شناسه افعال لازم

شمار و شخص گویش	مفرد			جمع		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستکی	-em	-eš	-ø	om	-i	-en
جناحی	-em	-eš	-ø	-om	-i	-en
دهتل	-em	-eš	-ø	-am	-i	-en
دهنگ	-em	-eš	-ø	-am	-ey	-en
رودباری	-em	-eš	-ø	-am	-i	-en
فاریابی	-om	-eš	-ø	-em	-i	-en
کمشکی	-om	-eš	-ø	-am	-i	-eŋ
کوخردی	-em	-eš	-ø	-om	-i	-en
کوهیجی	-om	-eš	-ø	-em	-i	-en
هرنگی	-em	-eš	-ø	-om	-i	-en

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۵: صرف فعل ماضی ساده از مصدر «آمدن»

بستکی	and-em	آمدم	and-eš	آمدی	ami	آمد
	And-om	آمدیم	And-i	آمدید	And-en	آمدند
جناحی	æmd-em	آمدم	æmd-eš	آمدی	æmod	آمد
	æmd-om	آمدیم	æmd-i	آمدید	æmd-en	آمدند
دهتلی	Hond-em	آمدم	Hond-eš	آمدی	hond	آمد
	Hond-am	آمدیم	Hond-i	آمدید	Hond-en	آمدند
دهنگی	Hond-em	آمدم	Hond-eš	آمدی	hond	آمد
	Hond-am	آمدیم	Hond-ey	آمدید	Hond-en	آمدند
رودباری	Hond-em	آمدم	Hond-eš	آمدی	hond	آمد
	Hond-am	آمدیم	Hond-i	آمدید	Hond-en	آمدند
فاریابی	and-om	آمدم	and-eš	آمدی	amoŋ	آمد
	and-em	آمدیم	and-i	آمدید	and-en	آمدند
کمشکی	And-om	آمدم	And-eš	آمدی	amoŋ	آمد
	And-am	آمدیم	And-i	آمدید	And-eŋ	آمدند
کوخردی	Ond-em	آمدم	Ond-eš	آمدی	ond	آمد
	Ond-om	آمدیم	Ond-i	آمدید	Ond-en	آمدند
کوهیجی	And-om	آمدم	And-eš	آمدی	amoŋ	آمد
	And-em	آمدیم	And-i	آمدید	And-en	آمدند
هرنگی	Ond-em	آمدم	Ond-eš	آمدی	amoŋ	آمد
	Ond-om	آمدیم	Ond-i	آمدید	Ond-en	آمدند

ب) ماضی نقلی

در زبان فارسی، گذشتهٔ نقلی از صفت مفعولی و فعل‌های کمکی (ام، ای، است، ایم، اید و اند) ساخته می‌شود (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۴۹). در گویش‌های شهرستان بستک، ماضی نقلی به شکل فارسی قدیم از صفت مفعولی و فعل کمکی «است» ساخته می‌شود

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۶: شناسه فعل ماضی نقلی

شمار و شخص گویش	مفرد			جمع		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستکی	-em	-e	-ø	-om	-i	-en
جناحی	-em	-eš	-ø	-om	-i	-en
دهتلی	-em	-eš	-ø	-am	-i	-en
دهنگی	-em	-eš	-ø	-am	-ey	-en
رودباری	-em	-eš	-ø	-am	-i	-en
فاریابی	-om	-eš	ø	-em	-i	-en
کمشکی	-om	-eš	-ø	-am	-i	-eŋ
کوخردی	-em	-eš	-ø	-ɔmi	-i	-en
کوهیجی	-om	-eš	-ø	-em	-i	-en
هرنگی	-em	-eš	-ø	-om	-i	-en

جدول ۷: صرف فعل ماضی نقلی از مصدر «آمدن»

بستکی	andoss-em	آمده‌ام	andoss-eš	آمده‌ای	ando	آمده‌است
	Andoss-om	آمده‌ایم	Andoss-i	آمده‌اید	An-doss-en	آمده‌اند
جناحی	æmdoss-em	آمده‌ام	Æmdoss-eš	آمده‌ای	æmod	آمده‌است
	æmdess-om	آمده‌ایم	æmdess-i	آمده‌اید	æmdess-en	آمده‌اند
دهتلی	hons-em	آمده‌ام	hons-eš	آمده‌ای	honde	آمده‌است
	hons-am	آمده‌ایم	hons-i	آمده‌اید	hons-en	آمده‌اند
دهنگی	hons-em	آمده‌ام	hons-eš	آمده‌ای	honde	آمده‌است
	hons-am	آمده‌ایم	hons-ey	آمده‌اید	hons-en	آمده‌اند
رودباری	hons-em	آمده‌ام	hons-eš	آمده‌ای	honde	آمده‌است
	hons-am	آمده‌ایم	hons-i	آمده‌اید	hons-en	آمده‌اند

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

فاریابی	ans-om	آمده‌ام	ans-eš	آمده‌ای	ande	آمده‌است
	Ans-em	آمده‌ایم	ans-i	آمده‌اید	ans-en	آمده‌اند
کمشکی	Ans-om	آمده‌ام	ans-eš	آمده‌ای	ande	آمده‌است
	Ans-am	آمده‌ایم	ans-i	آمده‌اید	ans-eŋ	آمده‌اند
کوخردی	Ondes-em	آمده‌ام	ondes-eŠ	آمده‌ای	onde	آمده‌است
	Ondes-omi	آمده‌ایم	ondes-i	آمده‌اید	ondes-en	آمده‌اند
کوهیجی	Ans-om	آمده‌ام	Ans-eš	آمده‌ای	ande	آمده‌است
	Ans-em	آمده‌ایم	Ans-i	آمده‌اید	Ans-en	آمده‌اند
هرنگی	Ondos-em	آمده‌ام	Ondos-eš	آمده‌ای	ondo	آمده‌است
	Ondos-om	آمده‌ایم	Ondos-i	آمده‌اید	Ondos-en	آمده‌اند

ج) گذشتهٔ بعید

گذشتهٔ بعید، فعلی است که در زمان دور اتفاق افتاده باشد. در زبان فارسی، گذشتهٔ بعید از ساخت صفت مفعولی و ماضی سادهٔ «بودن» ساخته می‌شود (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۵۳). در گویش‌های شهرستان بستک نیز فعل ماضی بعید به دو شکل ساخته می‌شود:

ـ از ترکیب صفت مفعولی فعل اصلی + فعل کمکی (بودن) + فعل کمکی «است» + شناسه.

ـ صفت مفعولی فعل اصلی + فعل کمکی «است» + فعل کمکی «den»(d) در معنای بودن + شناسه.

«فعل کمکی «den» فاقد مصدر است و در گویش‌های بستک به همین شکل و با همین کاربرد، یکی از افعال کمکی محسوب شده‌است.» (نیرومند، ۹۰:۱۳۹۰).

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۸: شناسه فعل ماضی بعید نقلی (لازم)

شمار و شخص	مفرد			جمع		
گویش	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستکی	em-	eš-	ø-	om-	-i	en-
جناحی	-em	-eš	-ø	-om	-i	-en
دهتلی	em-	eš-	ø-	-am	-i	-en
دهنگی	-em	-eš	ø	-am	-ey	-en
رودباری	-em	-eš	ø	-am	-i	-en
فاریابی	om	-eš	ø	-em	-i	en
کمشکی	-om	-eš	-ø	-am	-i	-eŋ
کوخردی	em-	-eš	ø	-om	-i	-en
کوهیجی	-om	-eš	-ø	-em	-i	-en
هرنگی	-em	-eš	ø	-om	-i	-en

جدول ۹: صرف فعل ماضی بعید نقلی

بستکی	Ando boss-em	آمده بودم	Ando boss-eš	آمده بودی	Ando bodo	آمده بود
	Ando boss-om	آمده بودیم	Ando boss-i	آمده بودید	Ando boss-en	آمده بودند
جناحی	æMda bedoss-em	آمده بودم	æmda bedoss-eš	آمده بودی	Æmda-bodæ	آمده بود
	æmda bedossom	آمده بودیم	mda be-doss-iæ	آمده بودید	æmdabedoss-en	آمده بودند
دهتلی	honde bos-em	آمده بودم	honed bos-eš	آمده بودی	honed bode	آمده بود
	Honde bos-am	آمده بودیم	honde bos-i	آمده بودید	honde bos-en	آمده بودند

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

دهنگی	hondes-son-em	آمده بودم	hondes-son-eš	آمده بودی	hondess-oŋ	آمده بود
	Hondes-son-am	آمده بودیم	hondes-son-ey	آمده بودید	hondesson-en	آمده بودند
رودباری	honsoŋ d-em	آمده بودم	honsoŋ d-em	آمده بودی	hons	آمده بود
	Honsoŋ d-am	آمده بودیم	Honsoŋ d-i	آمده بودید	Honsoŋ d-en	آمده بودند
فاریابی	Ansoŋ d-om	آمده بودم	ansoŋ d-eš	آمده بودی	ansoŋ	آمده بود
	Ansoŋ d-em	آمده بودیم	Ansoŋ d-i	آمده بودید	Ansoŋ d-en	آمده بودند
کمشکی	ande bos-om	آمده بودم	ande bos-eš	آمده بودی	ande bode	آمده بود
	Ande bos-am	آمده بودیم	ande-bos-š	آمده بودید	ande bos-eŋ	آمده بودند
کوخردی	Onde soŋ d-em	آمده بودم	Ondesoŋ d-eš	آمده بودی	Ondesoŋ	آمده بود
	Ondesoŋ d-om	آمده بودیم	Ondesoŋ d-i	آمده بودید	Ondesoŋ d-en	آمده بودند
کوهیجی	Ande bos-om	آمده بودم	Ande bos-eš	آمده بودی	Ande bode	آمده بود
	Ande bos-em	آمده بودیم	Ande bos-i	آمده بودید	Ande boss-en	آمده بودند
هرنگی	Ondosoŋ d-em	آمده بودم	Ondosoŋ d-eš	آمده بودی	Ondosoŋ	آمده بود
	Ondosoŋ d-om	آمده بودیم	Ondosoŋ d-i	آمده بودیم	Ondosoŋ d-en	آمده بودند

د) گذشتهٔ التزامی با صرف فعل بودن:

«در زبان فارسی، مضارع التزامی از صفت مفعولی و مضارع ساده «باشیدن» ساخته می‌شود.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۵۵). در گویش‌های شهرستان بستک، از ترکیب ماده نقلی + مضارع التزامی فعل «boda» یعنی «bit» (به معنای باشد) + شناسه ساخته می‌شود.

«دو صورت «بُوَم ... بُوَند» برای مضارع وجه اخباری و التزامی هر دو به کار می‌رود. اما هر یک از این دو صورت هرگاه با صفت مفعولی فعلی دیگر ترکیب شود؛ یعنی معین فعل قرار گیرد، بر زمان ماضی از وجه التزامی دلالت می‌کند.» (خانلری، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۱۰: شناسه فعل ماضی التزامی (لازم)

شمار و شخص	مفرد			جمع		
گویش	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستک	-em	-eš	-it	-om	-i	-en
جناح	-em	-eš	-id	-om	-i	-en
دهتل	-em	-eš	-ù	-am	-i	-en
دهنگ	-em	-eš	-i	-am	ey	-en
رودبار	-em	-eš	-ù	-am	-i	-en
فاریاب	-om	-eš	-i	-em	-i	-en
کمشک	-om	-eš	-i	-am	-i	eŋ
کوخرد	-em	-eš	-it	-om	-i	-en
کوهیج	-om	-eš	-i	-em	-i	-en
هرنگ	-em	eš	-it	-om	-i	-en

جدول ۱۱: صرف فعل ماضی التزامی از مصدر «آمدن»

بستکی	ando b-em	آمده باشم	ando b-eš	آمده باشی	ando b-i	آمده باشد
	Ando b-om	آمده باشیم	ando b-ey	آمده باشید	ando b-en	آمده باشند
جناحی	æmda b-em	آمده باشم	æmda beš	آمده باشی	æmda b- id	آمده باشد
	æmda b-om	آمده باشیم	æmda b-i	آمده باشید	æmda b-en	آمده باشند
دهتلی	honde b-em	آمده باشم	honde b-eš	آمده باشی	honde b-ù	آمده باشد
	Honde ba-yam	آمده باشیم	honde b-i	آمده باشید	honde b-en	آمده باشند

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

دهنگی	honed b-em	آمده باشم	honed b –eš	آمده باشی	honed b-i	آمده باشد
	Honde b-am	آمده باشیم	honde b-ey	آمده باشید	honde b-en	آمده باشند
رودباری	honde b-em	آمده باشم	honde b –eš	آمده باشی	honde b –ü	آمده باشد
	Honed b-am	آمده باشیم	Honed b-i	آمده باشید	Honed b-en	آمده باشند
فاریابی	Ande b-om	آمده باشم	Ande-b-eš	آمده باشی	Ande b-i	آمده باشد
	Ande b-em	آمده باشیم	Ande b-i	آمده باشید	Ande b-en	آمده باشند
کمشکی	ande b-om	آمده باشم	ande b-eš	آمده باشی	ande b-i	آمده باشد
	Ande b-am	آمده باشیم	ande b-i	آمده باشید	ande b-eŋ	آمده باشند
کوخردی	onde b-em	آمده باشم	onde b-eš	آمده باشی	onde b-it	آمده باشد
	Onde b –om	آمده باشیم	onde b-i	آمده باشید	onde b-en	آمده باشند
کوهیجی	Ande-b-om	آمده باشم	Ande-b-eš	آمده باشی	Ande-b-i	آمده باشد
	Ande-b-em	آمده باشیم	Ande-bi	آمده باشید	Ande-b-en	آمده باشند
هرنگی	Ondo b-em	آمده باشم	Ondo b-eš	آمده باشی	Ondo b-it	آمده باشد
	Ondo b-om	آمده باشیم	Ondo b-i	آمده باشید	Ondo b-en	آمده باشند

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

ه) مضارع اخباری و التزامی:

«مضارع اخباری و التزامی در فارسی معیار، هر دو از ماده مضارع فعل ساخته می‌شود. فرق مضارع اخباری و التزامی در فارسی امروز آن است که مضارع اخباری با حرف پیشین «می» و مضارع التزامی با حرف پیشین «ب» ترکیب می‌شود. اما در زبان فارسی چند قرن پیش، این دو صیغه با هم فرقی نداشته و مانند یکدیگر به‌کار می‌رفته‌اند.» (خانلری، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

در گویش‌های شهرستان بستک، فعل مضارع اخباری از علامت استمرار + بن مضارع + شناسه ساخته می‌شود و حال التزامی از پیشوند التزامی + بن مضارع + شناسه:

جدول ۱۲: شناسهٔ فعل‌های لازم، زمان مضارع اخباری و مضارع التزامی

شخص و شمار	مفرد			جمع		
گویش	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستکی	-äm	-äš	-ât	-yom	ay	-än
جناحی	-äm	šä	tâ	aom	ay-	an
دهتلی	-am	-aš	ɔ	Yam-	-ayi	an
دهنگی	-am	-aš	ɔ	yam	-yay	-an
رودباری	-am	-aš	-ɔ	-yam	-ayi	-an
فاریابی	-yem	-yeš	-ɔ	-yam	-yi	-yen
کمشکی	-yom	-eš	-â	-yam	-ayi	aeŋ
کوخردی	-äm	-äš	-ât	-ämi	-äy	nä
کوهیجی	-am	-aš	â	-yem	-yi	-yen
هرنگی	-am	-aš	-ât	-yom	-ay	-an

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۱۳: صرف فعل مضارع اخباری از مصدر «آمدن»

بستکی	At-äm	می‌آیم	At-äš	می‌آیی	At-ât	می‌آید
	Ata-y-om	می‌آییم	at-äy	می‌آیید	at-än	می‌آیند
جناحی	at-am	می‌آیم	at-aš	می‌آیی	at-ât	می‌آید
	Ata-om	می‌آییم	at-ay	می‌آیید	at-an	می‌آیند
دهتلی	At-am	می‌آیم	At-aš	می‌آیی	At-a	می‌آید
	Ata-y-am	می‌آییم	ata-yi	می‌آیید	At-an	می‌آیند
دهنگی	At-am	می‌آیم	At-aš	می‌آیی	At-ɔ	می‌آید
	Ata-y-am	می‌آییم	ata-yay	می‌آیید	at -an	می‌آیند
رودباری	at-am	می‌آیم	at-aŠ	می‌آیی	At-a	می‌آید
	Ata-yam	می‌آییم	at-ayi	می‌آیید	at-an	می‌آیند
فاریابی	At-am	می‌آیم	At-aš	می‌آیی	At-a	می‌آید
	At ay-em	می‌آییم	At-ay	می‌آیید	At-an	می‌آیند
کمشکی	ata-y-om	می‌آیم	ata-y-eš	می‌آیی	at-a	می‌آید
	ata-yam	می‌آییم	ata-yi	می‌آیید	ata-ey	می‌آیند
کوخردی	at-äm	می‌آیم	at-äš	می‌آیی	at-ät	می‌آید
	At-ämi	می‌آییم	at-äy	می‌آیید	at –än	می‌آیند
کوهیجی	At-am	می‌آیم	At-aš	می‌آیی	At-a	می‌آید
	Ata-yem	می‌آییم	Ata-yi	می‌آیید	At-an	می‌آیند
هرنگی	At-am	می‌آیم	At-aš	می‌آیی	At-ât	می‌آید
	Atay-om	می‌آییم	Ata-y	می‌آیید	At-an	می‌آیند

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

۲ـ۲ـ۲ـ شناسهٔ فعل‌های متعدی:

فعل متعدی فعلی است که معنای آن فقط با نهاد کامل نمی‌شود و علاوه بر آن، به اجزای دیگری چون مفعول نیز نیاز دارد. شناسه‌های افعال متعدی در گویش‌های شهرستان بستک همانند فارسی میانه، ویژگی ارگاتیو[1] دارد؛ یعنی اینکه «شناسه‌ای در آخر فعل قرار نمی‌گیرد و به جای آن، ضمیری به ابتدای فعل می‌چسبد که آن را ضمیر بدل از شناسه می‌نامیم.» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۷۷). این شناسه‌ها در زبان فارسی امروز وجود ندارند.

«ارگاتیو به معنی سبب‌شدن، به وقوع رساندن و خلق کردن است و حالتی است برای فاعل متعدی در زمان گذشته که به آن عامل گفته می‌شود.» (کلباسی، ۱۳۸۹: ۹).

الف) ماضی ساده، نقلی، بعید و التزامی

جدول ۱۴: شناسه افعال متعدی

شمار و شخص	مفرد			جمع		
گویش	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستکی	-om	-ot	-oš	-moŋ	-toŋ	oŋš
جناحی	-om	-ot	-oš	-moŋ		
دهتلی	-ma	-ta	-ša	-moŋ	-toy	-šoŋ
دهنگی	-om	-ot	-oš	-mo	-to	-šo
رودباری	-om	-ot	-oš	-mo	-to	-šo
فاریابی	-om	-ot	-oŠ	-moŋ	-toŋ	-šoŋ
کمشکی	-om	-ot	-oŠ	-moŋ	-toŋ	-šoy
کوخردی	-om	-ot	-oŠ	-moŋ	-toŋ	-šoŋ
کوهیجی	-om	-ot	-oš	-moŋ	-toŋ	-šoŋ
هرنگی	-om	-ot	-oš	-moŋ	-toŋ	-šoŋ

1. Ergative

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۱۵: صرف فعل ماضی ساده (متعدی)

بستکی	om-xa	خوردم	ot-xa	خوردی	oš-xa	خورد
	Moŋ-xa	خوردیم	Toŋ-xa	خوردید	šoŋ-xa	خوردند
جناحی	Om-xa	خوردم	ot-xa	خوردی	oš-xa	خوردی
	Moŋ-xa	خوردیم	toŋ-xa	خوردید	Šoŋ-xa	خوردند
دهتلی	om-xard	خوردم	ot-xard	خوردی	oŠ-xard	خورد
	oŠ-xard	خوردیم	toŋ-xard	خوردید	oŋ-xardŠ	خوردند
دهنگی	Om-xa	خوردم	Ot-xa	خوردی	Oš-xa	خورد
	mo-xa	خوردیم	to-xa	خوردید	Šo-xa	خوردند
رودباری	om-xa	خوردم	ot-xa	خوردی	oš-xa	خورد
	Mo-xa	خوردیم	to-xa	خوردید	šo-xa	خوردند
فاریابی	om-xa	خوردم	ot-xa	خوردی	oŠ-xa	خورد
	Moŋ-xa	خوردیم	toŋ-xa	خوردید	-xaŋŠo	خوردند
کمشکی	Om-xa	خوردم	ot-xa	خوردی	oš-xa	خورد
	Moŋ-xa	خوردیم	toŋ-xa	خوردید	šoŋ-xa	خوردند
کوخردی	om-	خوردم	Ot- a	خوردی	oš-a	خورد
	Moŋ - a	خوردیم	toŋ-a	خوردید	šoŋ-a	خوردند
کوهیجی	Om-xa	خوردم	Ot-xa	خوردی	Oš-xa	خورد
	Moŋ-xa	خوردیم	Toŋ0xa	خوردید	šoŋ-xa	خوردند
هرنگی	Om-xa	خوردم	Ot-xa	خوردی	Oš-xa	خورد
	Moŋ-xa	خوردیم	Toŋ-xa	خوردید	Oŋ-xaš	خوردند

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

ب) گذشتهٔ استمراری:

در گویش‌های شهرستان بستک، گذشتهٔ استمراری افعال متعدی از شناسه‌های پیشین (ارگاتیو) متعدی + بن گذشته ساخته می‌شود:

جدول ۱۶: شناسه فعل ماضی استمراری (متعدی)

شمار و شخص گویش	مفرد			جمع		
	۱	۲	۳	۱	۲	۳
بستکی	-ma	-ta	aš-	-moŋ	-toŋ	-šoŋ
جناحی	-ma	-ta	-ša	-moŋ	-toŋ	-šoŋ
دهتلی	-ma	-ta	-ša	-moŋa	-toŋa	-šoŋa
دهنگی	-ma	-ta	-ša	-moŋa	-toŋa	-šoŋa
رودباری	-ma	-ta	-ša	-moa	-toa	oaš
فاریابی	-ma	-ta	-ša	Moŋa	-toŋa	oŋaš
کمشکی	-ma	-ta	-ša	-moŋa	-toŋa	oŋaš
کوخردی	-ma	-ta	ša	-moŋa	-toŋa	-šoŋa
کوهیجی	-ma	-ta	-ša	-moŋa	-toŋa	-šoŋa
هرنگی	-ma	-ta	-ša	-moŋa	-toŋa	Oŋaš

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۱۷: صرف فعل ماضی استمراری (متعدی) از مصدر «خوردن»

بستکی	Ma-xa	می‌خوردم	Ta-xa	می‌خوردی	a-xaš	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	Toŋa-xa	می‌خوردید	Oŋa-xaš	می‌خوردند
جناحی	Ma-xa	می‌خوردم	Ta-xa	می‌خوردی	a-xaš	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	Toŋa-xa	می‌خوردید	oŋa-xaš	می‌خوردند
دهتلی	Ma-xard	می‌خوردم	Ta-xard	می‌خوردی	a-xardš	می‌خورد
	Moŋa-xard	می‌خوردیم	Toŋa-xard	می‌خوردید	Oŋa-xardš	می‌خوردند
دهنگی	ma-xa	می‌خوردم	ta-xa	می‌خوردی	a-xaš	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	toŋa-xa	می‌خوردید	šoŋa-xa	می‌خوردند
رودباری	ma-xard	می‌خوردم	ta-xard	می‌خوردی	ša-xard	می‌خورد
	Moa-xard	می‌خوردیم	toa-xard	می‌خوردید	šoa-xard	می‌خوردند
فاریابی	ma-xa	می‌خوردم	ta-xa	می‌خوردی	a-xaš	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	toŋa-xa	می‌خوردید	oŋa-xaš	می‌خوردند
کمشکی	ma-xa	می‌خوردم	ta –xa	می‌خوردی	a-xaŠ	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	toŋa-xa	می‌خوردید	Šoŋa-xa	می‌خوردند
کوخردی	ma-xva	می‌خوردم	ta-xva	می‌خوردی	Ša-xva	می‌خورد
	Moŋa-xva	می‌خوردیم	toŋa-xva	می‌خوردید	Šoŋa-xva	می‌خوردند
کوهیجی	Ma-xa	می‌خوردم	Ta-xa	می‌خوردی	a-xaš	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	Toŋa-xa	می‌خوردید	Oŋa-xaš	می‌خوردند
هرنگی	Ma-xa	می‌خوردم	Ta-xa	می‌خوردی	a-xaš	می‌خورد
	Moŋa-xa	می‌خوردیم	Toŋa-xa	می‌خوردید	Oŋa-xaš	می‌خوردند

۲ـ۳ـ پیشوندهای فعل‌های لازم و متعدی

۲ـ۳ـ۱ـ پیشوندهای فعل لازم

الف) ماضی استمراری و مضارع مستمر:

پیشوند گذشتهٔ استمراری در شهر و روستاهای بررسی‌شده (a) است، ولی پیشوند حال مستمر مختلف است؛ مثل a،kar، akar و ka .

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۱۸: پیشوند فعل‌های لازم زمان‌های ماضی استمراری و مضارع مستمر

			می‌آمدم	دارم می‌آیم
بستکی	a	a	a-tand-em	a-tand-âm
جناحی	a	kar	a-tamd-em	kar-æmd-æm
دهتلی	a	akar	a-hond-em	akar-hond-am
دهنگی	a	a	a-hond-em	a-hond-am
رودباری	a	akar	a-hond-em	akar-hond-am
فاریابی	a	kar	a-tand-om	Kar-and-am
کمشکی	a	a	a-tand-om	a-tand-om
کوخردی	a	kar	a-tond-em	kar-ond-âm
کوهیجی	a	kar	a-tand-om	Kar-and-am
هرنگی	a	kar	a-tond-em	Kar-ond-om

ب) حال التزامی:

در زبان فارسی این فعل با جزء پیشین «ب» ساخته می‌شود، ولی در گویش‌های شهرستان بستک علاوه بر «ب» پیشوند امری و التزامی، براساس محیط آوایی پیشوندهای دیگری نیز وجود دارد؛ مثل a-o-ba-b-ho-be-ö-i-vâ .

جدول ۱۹: پیشوند فعل‌های لازم زمان مضارع التزامی

	بیایم	بخوابم	بروم
بستکی	Bä-r-em	o-xat-em	Oy-č-em
جناحی	b-ä-m	o-xat-em	a-š-om
دهتلی	b-a-m	ho-xat-em	o-č-em
دهنگی	b-a-m	o-xat-em	o-č-em
رودباری	b-ä-m	ho-xat-em	be-röv-em/o-č-em
فاریابی	b-a-m	o-xat-om	o-č-om
کمشکی	ba-y-om	ö-xat-em	o-č-om
کوخردی	ba-h-am	o-xvat-em	i-č-em
کوهیجی	b-a-m	o-xat-om	o-š-om
هرنگی	b-a-m	o-xat-em	o-č-em

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

۲ـ۳ـ۲ـ پیشوندهای فعل متعدی

الف) حال اخباری و آینده:

برای بیان مفهوم زمان آینده در گویش‌های شهرستان بستک، فعل کمکی وجود ندارد بلکه این مفهوم با همان صورت فعل مضارع بیان می‌شود. پیشوند این زمان نیز در همهٔ گویش‌ها یکسان است.

جدول ۲۰: پیشوند فعل متعدی زمان‌های مضارع اخباری و آینده

		می‌اندازم / خواهم انداخت	می‌اندازم / خواهم انداخت
بستکی	-a	a-kerd-em	a-xor-em
جناحی	-a	a-kerd-em	a-xr-em
دهتلی	-a	a-kard-em	a-xor-em
دهنگی	-a	a-kerd-em	a-xor-em
رودباری	-a	a-kard-em	a-xor-em
کمشکی	-a	a- kerd-om	a-xor-om
کوخردی	-a	a-kerd-em	a-xr-em
کوهیجی	-a	a-kerd-om	a-xr-om
هرنگی	-a	a-kerd-em	a-xor-em

ب) حال التزامی:

برای این فعل، پیشوندهای زیادی وجود دارد؛ مثل be ,bo,vâ,o,â.

جدول ۲۱: پیشوند مضارع التزامی

	ببندم	بیندازم	بخوانم	بخورم
بستکی	be-kerd-em	o-khon-em	bo-khor-em	vâ-ven-em
جناحی	be-kerd-em	o-xon-em	bo-xr-em	â-ben-em
دهتلی	be-kard-em	ho-xan-em	bo-xor-em	vâ-ben-em
دهنگی	Be-kerd-em	o-xan-em	bo-xor-em	vâ-ven-em
رودباری	be-kard-em	ho-xan-em	bo-xor-em	vâ-ben-em
فاریابی	Be-kerd-om	o-xon-om	Bo-xr-om	o-bassen-om

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

کمشکی	be-kerd-om	o-xon-om	bo-xor-om	vâ-ven-om
کوخردی	be-kerd-em	o-xon-em	bo-xr-em	vâ-ven-em
کوهیجی	Be-kerd-om	o-xon-om	Bo-xr-om	Vâ-ben-em
هرنگی	Be-kerd-em	o-xon-em	Bo-xor-em	Vâ-ven-em

۲ـ۳ـ۳ـ پیشوندهای قاموسی

در گویش‌های شهرستان بستک، پیشوند قاموسی vâ و در بعضی دیگر va یا vo است مانند:

جدول ۲۲: پیشوندهای قاموسی

	برداشتن	ایستادن
بستکی	Vâ-soss-o	Vay-sad-o
جناحی	Vâ-soss-a	Vay-sad-a
دهتلی	Vâ-sest-a	Vay-sad-a
دهنگی	Vâ-sed-a	Vay-sed-a
رودباری	Vâ-sest-a	Va-stad-a
فاریابی	Vâ-sess-a	Vay-sad-a
کمشکی	Vâ-ses-a	vi-ssed-a
کوخردی	Vâ-sess-a	Vay-sed-a
کوهیجی	Vâ-sess-a	Vay-sada
هرنگی	Vâ-ssos-o	Vay-sad-a

در صورتی که فعل گذشتهٔ استمراری دارای پیشوند قاموسی باشد، ممکن است پیشوند صرفی مقدم بر آن باشد و گاهی نیز پیشوند قاموسی مقدم می‌شود:

جدول ۲۳: جایگاه پیشوندهای قاموسی و صرفی

بستکی	A vâxoyt	فرو می‌برد	Vo pas a tât	بر می‌گردد
دهنگی	a-va xoy	فرو می‌برد	Va pas a tâ	بر می‌گردد
هرنگی	a-vâ xet	فرو می‌برد	vɔ pas a tâ	بر می‌گردد

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

الف) فعل مجهول:

فعلی که فاعلش معلوم باشد، فعل معلوم نامیده می‌شود؛ مانند سعید آمد و فعلی را که به مفعول نسبت داده می‌شود، فعل مجهول می‌گویند؛ مانند حمید در خیابان دیده شد.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۶۸).

فعل مجهول در گویش‌های شهرستان بستک به چند روش ساخته می‌شود:

ـ حرف اضافهٔ «a» (در معنای «به») + مصدر + مضارع ساده فعل «آمدن» + شناسه.

بستکی (a+boledo+ami) a boledo amiبریده شد.

فاریابی(a+boleda+amoŋ) a boleda amoŋ بریده شد.

ـ حرفِ اضافهٔ «a» + صفت مفعولی + فعل «رفت» a+xardo+raft

ـ مادهٔ نقلی + فعل کمکی مجهول‌ساز «exe یا Loxo» (و در صورتی که شناسه به آن بچسپد بین شناسه و فعل کمکی «است «est»» قرار می‌گیرد:

جناحی (tak +oxo+st+em) takoxostem تکانده شدم.

کمشکی(bar+exe) barexeریخته شد.

دهتلی(ešk+axe) eškaxe شکسته شد.

ـ صفت یا صفت مفعولی + ماضی مطلق فعل کمکی مجهول‌ساز «boda» (شدن) + شناسه:

بستکی(xâr+bod+eš) xârbodeš گرفتار شدی.

رودباری (xasta+bod+i) xasta bodi خسته شدید.

جدول ۲۴: صرف فعل مجهول در زمان‌های مضارع اخباری، ماضی ساده و ماضی نقلی

	خورده می‌شود	خورده شد	خورده شده‌است
بستکی	A- xardo-atat	a-xardo raft	a-xardo-rafto
جناحی	Xarda-abi	Xarda-bi	Xarda-beda
دهتلی	Xarda-abù	Xarda-bi	Xarda-bode
دهنگی	Xarda-abi	Xarda-bi	Xarda-bode
رودباری	Xarda-abù	Xarda-bi	Xarda- bode
فاریابی	Xarda-abi	Xarda-bi	Xarda-bode
کمشکی	a-xarda-či	a-xarda-raft	Xarda-bode
کوخردی	a-xarda-tat	A xarda-hond	a-xarda-honde
کوهیجی	A xarda atâ	A xarda amoŋ	A xarda ande
هرنگی	a-xardo-ačit	a-xardo-raft	a-xardo raftosoŋ

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

ب) فعل امر

«امر، فعلی است که با آن فرمانی می‌دهیم یا از کسی می‌خواهیم کاری انجام‌دهد یا حالتی را بپذیرد. برای فعل امر بیشتر دو ساخت به کار می‌رود؛ دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع (برو، بروید) که دوم شخص مفرد، ساختی است اختصاصی امر و دوم شخص جمع، مشترک میان امر و مضارع التزامی با ساده.» (انوری و احمدی‌گیوی، ۱۳۸۹: ۶۳).

ـ فعل امر در گویش‌های شهرستان بستک از ترکیب پیشوند «b»، «o» «â» «vâ»» + بن مضارع + شناسه ساخته می‌شود:

جدول ۲۵: فعل امر

بخورید	Boxori (bo+xor+i)	بخور	Boxa (bo+xo)
بخوابید	Oxati (o+xat+i)	بخواب	Oxat (o+xat)
ببندید	Beni (â+ben+i) â	ببند	Beŋ (â+beŋ)â

فعل‌هایی که با پیشوند «va» شروع می‌شوند، با همان پیشوند خودشان به امر تبدیل می‌شوند:

جدول ۲۶: فعل امر

بازکن	Vâgoš (vâ+goš)
ببند	Vaveŋ (va+veŋ)

در فعل امر نیز شناسه به ابتدای فعل می‌چسپد:

جدول ۲۷: فعل امر

بیندازش	Ošbeke (oš-beke)
بیندازشان	Oŋbeke (šoŋ-beke)š

ج) فعل نهی

فعل نهی هم مانند فعل امر است؛ با این تفاوت که حرف نهی (ma) به ابتدای بن ماضی یا بن مضارع اضافه می‌شود:

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۲۸: فعل نهی

Maxo	نخور
Mavasi	برندار

	لازم		متعدی	
	فعل امر	فعل نهی	فعل امر	فعل نهی
	بیا	نیا	بخور	نخور
بستکی	bedâ	may	boxo	maxo
جناحی	bedâ	maŏ	boxo	maxo
دهتلی	bedâ	mahù	boxo	maxo
دهنگی	beðâ	may	boxo	maxo
رودباری	bedɔ	mahù	boxo	maxo
فاریابی	bedŏ	may	boxo	maxo
کمشکی	bedâ	may	boxo	maxo
کوخردی	bedâ	mahay	boxo	maxo
کوهیجی	bedâ	may	bxo	maxo
هرنگی	bedŏ	may	boxɔ	maxɔ

۲ـ٤ـ مصدر

در گویش‌های شهرستان بستک همانند زبان فارسی معیار، مصدرها در سه دستهٔ ساده، پیشوندی و مرکب وجود دارد و از بن فعل و نشانهٔ مصدری ساخته می‌شود. نشانهٔ مصدر در این گویش‌ها «a-o-æ- وɔ» است که بعد از بن فعل می‌آید. «مصدر و صفت مفعولی در گویش‌های بستکی یکی است و تنها از سیاق جمله می‌توان به آن پی برد.» (محبی، ۱۳۸۶: ۷۳).

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

جدول ۲۹: ساخت مصدر

	ترسیدن	رساندن
بستکی	Torsed-o(torskord-o)	Torsenad-o
جناحی	Tersed-æ	Tersenad-æ
دهتلی	Tersed-a	Tersenad-a
دهنگی	Terseð-a	Tersenað-a
رودباری	Tersed-a	Tersenad-a
فاریابی	Tersed-a	Tersed-a
کمشکی	Tersed-a	Tersenad-a
کوخردی	Tersed-a	Tersenad-a
کوهیجی	Tersed-a	Tersenad-a
هرنگی	Torsed-ɔ	Torsenad-ɔ

جدول ۳۰: انواع مصدر

انواع مصدر				
مصدر ساده	Leta/loto/letæ	ریختن	Ded/a/ o/ æ	دیدن
مصدر مرکب	Kare šal kerd-æ/a	کار بنایی انجام دادن	Radbod o/a/ɔ/æ	عبور کردن
مصدر پیشوندی	Vâsoss-o	برداشتن	Vakošt/o-a-æ-ɔ	خاموش کردن

نتیجه‌گیری

با بررسی گویش‌های شهرستان بستک در مباحث بن فعل، شناسه و وندهای فعلی مشخص شد که شناسه‌های این افعال با توجه به لازم یا متعدی‌بودن به دو دستهٔ پیشین و پسین تقسیم می‌شود. شناسه‌های پیشین با کارکرد ضمایر فاعلی، ویژگی ارگاتیو دارند. همچنین در مباحث پیشوندهای قاموسی و صرفی فعلی، تنوع وندها و کهن بودن برخی از آنها دیده می‌شود.

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

ریشهٔ فعل‌ها در تمام نقاط شهرستان تقریباً یکسان است و بیشترین تفاوت در صرف فعل‌ها در قسمت شناسه و حرکات شناسه‌ها دیده می‌شود. پیشوند فعل مضارع مستمر نیز در گویش‌های بررسی شده، یکسان نیست و شناسه‌های آن به شکل متفاوتی صرف می‌شود. واو معدوله در افعالی مانند خوردن و خواندن در گویش کوخرد و در گویش هرنگ با کاربرد کمتر، به تلفظ درمی‌آید و در دیگر گویش‌های بررسی‌شده، تلفظ نمی‌شود.

منابع و مآخذ

آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۷۵)، *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*، چاپ دوم، تهران: معین.

ارزن‌کار، محمدصالح (۱۳۹۵)، *آواشناسی و دستور زبان گویش لمزانی*، چاپ اول، شیراز: ایلاف.

اقتداری، احمد (۱۳۷۱)، *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، چاپ دوم، تهران: جهان معاصر

انوری، حسن و احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۸۹)، *دستور زبان فارسی۲*، تهران: فاطمی.

باطنی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.

باقری، مهری (۱۳۹۷)، *مقدمات زبان‌شناسی*، چاپ بیست و دوم، تهران: قطره.

بالود، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ عامه در منطقهٔ بستک*، چاپ اول، تهران: همسایه.

ثمره، یدالله (۱۳۸۳)، *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

حق‌شناس، علی محمد (۱۳۹۹)، *آواشناسی (فونتیک)*، چاپ شانزدهم، تهران: آگه.

خانلری، پرویز (۱۳۹۶)، *دستور زبان فارسی*، چاپ بیست و ششم، تهران: توس.

ـــــــــــ . (۱۳۷۳)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، به کوشش عفت مستشارنیا، چاپ سوم، تهران: توس.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، ج ۱، چاپ اول، تهران: سمت.

سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۸)، *گنجینه گویش‌شناسی فارس*، دفتر پنجم، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

عباسی، مصطفی‌قلی (۱۳۷۲)، *بستک و جهانگیریه*، چاپ اول، تهران: جهان معاصر.

فرامرزی، حسن (۱۳۶۳)، *فرهنگ فرامرزان*، چاپ اول، تهران: خواجه.

کلباسی، ایران (۱۳۸۹)، *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محبی، ناصر (۱۳۸۶)، *بررسی گویش، اشعار و داستان‌های شفاهی بستک*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ ادبیات، دانشگاه علامه طباطبایی.

محمودی، محمد (۱۳۹۴)، *مثل‌ها، کنایات و اصطلاحات در گویش گوده‌ای*، چاپ اول، مشهد: گل آفتاب.

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]

موحد، جمیل (۱۳۴۹)، *بستک و خلیج فارس*، چاپ اول، تهران: تهران مصور.
نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۰)، *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*، چاپ هفتم، تهران: نیلوفر.
نیرومند، سامیه (۱۳۹۰)، پژوهشی در دستور *زبان گویش بستکی*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.
وثوقی، محمدباقر (۱۳۶۹)، *لار شهری به رنگ خاک*، چاپ اول، تهران: کلمه.

[Downloaded from rdch.ir on 2025-12-18]